

دانشگاه لرستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات عرب

**عنوان:**

بررسی تطبیقی سه کتاب الاشباه و النظائر مقاتل بن سلیمان، وجوه القرآن  
نیشابوری و وجوه قرآن تفلیسی

**استاد راهنما:**

دکتر علی نظری

**استاد مشاور:**

دکتر محمود میرزایی الحسینی

**نگارش:**

معصومه تراوش

**پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد  
زبان و ادبیات عرب**

خرداد 1389

## کلیات تحقیق

یکی از موضوعات قرآنی، که باب تاویل را در فهم معانی قرآنی باز نموده است، «وجوه و نظایر» است. منظور از وجوه "موضوع له" کلمه نیست، بلکه "مستعمل فیه" آن است، یعنی کلمه‌ای در حین بکار بردن، واجد معنای دیگری می‌شود اعم از آنکه معنی، حقیقی باشد یا مجازی، استعاری و کنایی و نیز به نحو اشتراک لفظی باشد یا اشتراک معنوی. در این زمینه تالیفات زیادی وجود دارد که در این میان «الاشباه و النظایر فی القرآن»، تالیف مقاتل بن سلیمان بلخی (م 150ه) یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه است. «وجوه القرآن» ابی عبد الرحمن اسماعیل بن احمد الحیری النیشابوری کتاب دیگری در این زمینه می‌باشد که در حدود ششصد واژه از قرآن را بررسی کرده است. کتاب «وجوه قرآن» نوشته تفسیری که به زبان فارسی نگاشته شده، یکی دیگر از عمده‌ترین کتب وجوه الفاظ قرآنی به شمار می‌رود. دو کتاب تفسیری و نیشابوری علیرغم تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص خود، هر دو بر مبنای کتاب مقاتل بن سلیمان نوشته شده است. پایان‌نامه‌ی حاضر به بررسی، تطبیق و تبیین وجوه اشتراک و افتراق سه کتاب مذکور می‌پردازد. وجوهی که در این سه کتاب برای واژگان قرآنی آورده شده، در برخی موارد یکسان و در برخی دیگر، متفاوت است. به عنوان نمونه گاهی هر سه کتاب در تعداد وجوه یک واژه متفق‌القول هستند و گاهی نیز در بیان تعداد وجوه، و آیات استشهادی، اختلاف دارند.

## سوالات تحقیق

سوال اصلی

1- وجوه یا معانی واژگان قرآنی ذکر شده در این سه کتاب بیشتر بر چه اساسی بیان شده‌اند؟

سوال فرعی

1- آیا دو کتاب وجوه القرآن نیشابوری و وجوه القرآن تفسیری بر مبنای کتاب الاشباه و النظایر به بررسی

وجوه قرآن پرداخته‌اند؟

2- کدام یک از دو کتاب وجوه قرآن تفسیری و وجوه قرآن نیشابوری بیشترین اشتراک را با کتاب

«الاشباه و النظایر» مقاتل بن سلیمان دارند؟

## فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

1- وجوه مطرح شده برای واژگان قرآن علاوه بر اینکه گاهی با معنای لغوی و موضوع له ارتباط دارد، در اکثر موارد، بر اساس سیاق و بافت آیات و نیز با توجه به اسباب نزول می‌باشد.

فرضیه فرعی

1- کتاب «الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم» از نظر زمانی بر این دو کتاب تقدم دارد و این کتاب اساس و پایه‌ی کتاب تفلیسی و نیشابوری قرار گرفته است.

2- کتاب «وجوه قرآن» تفلیسی بیشترین وجوه اشتراک را با کتاب «الاشباه و النظائر» دارد در واقع می‌توان گفت که وجوه قرآن تفلیسی به نوعی تکمیل شده‌ی «الاشباه و النظائر» مقاتل بن سلیمان است.

### مفاهیم تحقیق

علم "وجوه و نظائر" از جمله شاخه‌های تفسیر است که به معنی‌شناسی واژگان قرآنی می‌پردازد. اشتمال قرآن بر الفاظی که معانی گوناگونی دارند باعث پیدایش علمی به نام «علم وجوه و نظائر» شد که بعدها یکی از شاخه‌های علوم قرآنی به شمار آمد. موضوع این علم شناخت کلماتی است که در موارد مختلف معانی متفاوتی دارند، و منظور از وجوه، معانی گوناگون یک لفظ برحسب موارد استعمال آن است و منظور از نظائر، همین الفاظ است که با وجود اختلاف معانی، شبیه هم هستند. بنابراین، وجوه مربوط به معانی و نظائر مربوط به الفاظ است.

### سوابق و پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه‌ی بحث "وجوه و نظائر" در علوم قرآنی به روزگار قبل از تقسیم‌بندی علوم اسلامی و جدایی آن‌ها از یکدیگر باز می‌گردد. نخستین نوشته در این باره به قرن دوم یعنی کتاب مقاتل بن سلیمان بلخی (متوفی 150ه) به نام «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم» باز می‌گردد. در اواخر قرن دوم هجری و آغاز قرن سوم، از تلاش و توجه مفسران به علم وجوه و نظائر، رویکرد زبان‌شناختی به آن شکوفا شد؛ چون زبان‌شناسان به طور کلی به گردآوری واژگان چند معنا در زبان روی آورده بودند. بعد از مقاتل بن سلیمان کتاب‌های مستقل دیگری نیز در این فن تالیف شده است، و برخی همچون زرکشی و سیوطی فصلی از کتاب خود را که درباره‌ی قرآن نوشته بودند به آن اختصاص داده‌اند. سیوطی که فصلی از کتاب الاتقان را بدین منظور تدوین کرده، در آنجا می‌گوید: «از قدما مقاتل بن سلیمان و از متاخران ابن جوزی و ابن دامغانی و ابوالحسین محمد بن - عبدالصمد مصری و ابن فارسی و دیگران در این فن به تالیف کتاب پرداخته‌اند»

بطور کلی تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی در عرصه‌ی علم "وجوه و نظائر" صورت گرفته از جمله:

1- کتاب بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظائر در قرآن کریم تالیف سلوی محمد العوا

2- مقاله‌ای تحت عنوان حکمة القرآن. حَمَّال ذو وجوه نوشته‌ی رشید الخیون

3- مقاله‌ای تحت عنوان ضرورت شناخت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن کریم نوشته‌ی یعقوب جعفری

اما سه کتاب «الاشباه و النظایر» مقاتل بن سلیمان «وجوه القرآن» نیشابوری و «وجوه قرآن» تفسیری که در زمینه‌ی وجوه و نظایر تالیف شده، مورد بررسی تطبیقی قرار نگرفته‌اند.

### **ضرورت‌ها و اهداف تحقیق**

با توجه به جایگاه والایی که علم " وجوه و نظایر " قرآن کریم در مباحث معناشناسی و درک مفاهیم والای قرآنی داشته است و این علم از منظر زبان‌شناسی و معناشناسی قابل توجه می‌باشد لذا پرداختن به این مباحث و بیان توانمندی‌های پژوهش‌های اسلامی در حوزه‌ی معناشناسی "قرآن کریم" امری ضروریست. هدف از این تحقیق بررسی تطبیقی میان سه کتاب مذکور می‌باشد تا از این رهگذر بتوان ظرفیت معناپژوهی در میراث اسلامی را به جامعه‌ی علمی معرفی کرد.

## چکیده

برای نزدیکتر شدن بیشتر به مفاهیم قرآن، باید دانست که بسیاری از کلمات، گذشته از معنای ابتدایی و اساسی، در ترکیبات و حوزه‌های مختلف، وجوه و چهره‌های گوناگونی به خود می‌گیرند و نمی‌توان همه جا این کلمات را به یک وجه معنی کرد. سه کتاب «الاشباه و النظائر» مقاتل بن سلیمان، «وجوه قرآن» تفسیری و «وجوه القرآن» نیشابوری در زمینه‌ی وجوه مختلف واژگان قرآن نوشته شده‌اند. در این سه کتاب وجوه واژه‌ها در خلال بافت و سیاق بیان شده است. و در برخی موارد نیز در ذکر این وجوه، به شان نزول آیات و سوره‌ها توجه گردیده است. البته وجوه مطرح شده برای واژه‌ها در برخی موارد یکسان می‌باشد؛ یعنی هم از نظر تعداد وجوه و هم از نظر نوع وجوه بیان شده تفاوتی با هم ندارند اما در مواردی، هم در تعداد وجوه و هم در وجه گفته شده تفاوت وجود دارد. هم‌چنین در آیات استشهادی ذکر شده برای این وجوه در عین وجود شباهت-ها، تفاوت‌هایی هم وجود دارد و این تفاوت صرف‌نظر از تعداد وجوه، در نوع آیات استشهادی هم دیده می‌شود. در این پایان‌نامه سعی گردیده موارد فوق‌الذکر در این سه کتاب مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: وجوه و نظائر، مقاتل بن سلیمان، تفسیری، نیشابوری

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	کلیات تحقیق
	چکیده
	مقدمه
	فصل اول: نگاهی به زندگی و آثار مقاتل بن سلیمان، نیشابوری و تفلیسی
1-1-1	مختصری از زندگی و آثار مقاتل بن سلیمان.....
2	.....
1-1-2	مختصری از زندگی و آثار نیشابوری.....
4	.....
4	استادان نیشابوری.....
5	ورود نیشابوری به بغداد.....
5	تالیفات نیشابوری.....
1-3-1	مختصری از زندگی و آثار تفلیسی.....
6	.....
1-4-1	گریزی بر الاشباه و النظائر - وجوه القرآن - وجوه قرآن.....
7	.....
	فصل دوم: تحلیل معناشناختی «وجوه» و «بافت» در واژگان قرآنی
1-2-1	مفهوم شناسی «وجوه».....
11	.....
2-2-2	نقش معناشناختی «بافت» در «وجوه» واژگان قرآنی.....
16	.....
1-2-2-1	موضوع معناشناسی.....
14	.....
2-3-3	اهمیت و ارزش شناخت اسباب نزول.....
19	.....

فصل سوم: بررسی واژگان مشترک الوجوه

3-1- تحلیل معناساختی واژگان مشترک الوجوه..... 22

3-2- بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق آیات استشهادی در واژگان مشترک الوجوه..... 33

فصل چهارم: بررسی واژگان متفاوت الوجوه

4-1- تحلیل معناساختی وجوه در اسماء و افعال..... 47

4-2- بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق وجوه و آیات استشهادی در اسماء و افعال..... 133

4-3- تحلیل معناساختی وجوه در حروف..... 222

4-4- بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق وجوه و آیات استشهادی در حروف..... 225

نتیجه گیری..... 231

فهرست منابع..... 233

## مقدمه

یکی از شاخه‌های باسابقه و پراهمیت علوم قرآن، دانش‌هایی است که کلمات و واژگان قرآن را بررسی می‌کند. سابقه‌ی این شاخه به عصر حیات رسول اکرم (ص) باز می‌گردد. دریافت درست کلام خداوند در قرآن بر اساس این بررسی و شناسایی استوار است. از جمله‌ی این علوم علم وجوه و نظایر است. دانش "وجوه و نظایر" به بررسی دلالت‌های متعدد واژگان در بافت کلام و حیانی قرآن می‌پردازد، به بیانی دیگر در علم "وجوه و نظایر" معانی‌ای که دارای الفاظ مشترک یا الفاظی که دارای معانی مختلف‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. اما نه از آن حیث که لفظ واحد برای معانی مختلف وضع شده باشد، بلکه از آن جهت که یک لفظ در معانی مختلف کاربرد و بسامد داشته باشد. یعنی در مقام کاربرد منصرف به معنایی خاص شود، خواه آن معنی حقیقی، مجازی، استعاری یا کنایی باشد. "وجوه و نظایر" در واژگان قرآن نشان دهنده‌ی آن است که این کتاب عظیم دارای لایه‌های مختلف معنایی است.

بطور کلی در این عرصه پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده اما این سه کتاب (الاشباه و النظایر نوشته‌ی مقاتل بن سلیمان، وجوه قرآن تفسیری و وجوه القرآن نیشابوری) که در زمینه‌ی وجوه و نظایر تالیف شده‌اند، مورد بررسی تطبیقی قرار نگرفته‌اند. به همین علت، بنا به علاقه‌ی وافر و از ابتدا به تحقیق در زمینه‌ی موضوعات قرآنی داشتم، این موضوع را به پیشنهاد استاد ارجمندم دکتر علی نظری و رهنمودهای ارزنده‌ی دکتر محمود میرزایی الحسینی برگزیدم تا در این زمینه کتب مربوطه و تفسیری را عمیق‌تر مطالعه کنم و خداوند را بر این توفیق سپاس گزارم.

ما در این پایان‌نامه سعی خواهیم کرد به بررسی تطبیقی وجوه بیان شده برای واژگان مشترک در این سه کتاب و نیز آیات استشهادی آن‌ها پردازیم و پاسخ به این پرسش که وجوه مطرح شده برای واژگان در این سه کتاب بیشتر بر چه اساسی بیان شده است؟

پایان‌نامه‌ای که تحت عنوان (بررسی تطبیقی سه کتاب الاشباه و النظایر مقاتل بن سلیمان، وجوه قرآن تفسیری و وجوه القرآن نیشابوری) فراروی ما قرار دارد در چهار فصل تنظیم گردیده است. فصل اول بطور مختصر به زندگی نامه‌ی سه نویسنده و ویژگی‌های سه کتاب اختصاص یافته است. در فصل دوم جهت



آشنایی خواننده با مفاهیم و اصطلاحاتی که در این رساله بیان گردیده ابتدا به مفهوم‌شناسی "وجوه" پرداخته شده است. از آنجایی که بافت (سیاق) در تعیین وجوه واژه‌ها نقش عمده دارد و از جمله مباحث مطرح و مورد توجه در زبان‌شناسی و معناشناسی می‌باشد؛ لذا بخشی در این فصل به معناشناسی و جایگاه بافت در این علم اختصاص داده شده است از سوی دیگر نقش سبب نزول آیات را در گزینش وجوه نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین در بخش دیگری از این فصل به تبیین اهمیت سبب نزول پرداخته شده است. با توجه به اینکه وجوهی که برای واژه‌ها در سه کتاب آمده، در اکثر موارد یکسان نیستند، در نتیجه واژه‌های مشترک را در سه کتاب به دو دسته‌ی مشترک الوجوه (یعنی واژگانی که از نظر تعداد وجوه در سه کتاب یکسان هستند) و واژگان مختلف الوجوه (واژگانی که از نظر تعداد وجوه اختلاف دارند) تقسیم‌بندی کرده‌ایم؛ لذا فصل سوم را به بررسی واژگان مشترک الوجوه اختصاص داده‌ایم و در دو بخش می‌باشد که در بخش اول آن جهت روشن شدن این مساله که تعیین وجوه واژه‌ها بیشتر بر چه اساسی بوده وجوه تعدادی از واژگان مورد تحلیل معناشناختی قرار گرفته و در بخش دوم به بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق آیات استشهادی در واژگان مشترک الوجوه پرداخته شده است. فصل چهارم که با عنوان بررسی واژگان متفاوت الوجوه می‌باشد بنای آن بر چهار بخش گذاشته شده، بخش اول آن به تحلیل معناشناختی تعدادی از وجوه در اسماء و افعال می‌پردازد، بخش دوم آن موارد اشتراک و افتراق وجوه و آیات استشهادی در اسماء و افعال را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد، بخش سوم این فصل به تحلیل معناشناختی وجوه در حروف و بخش چهارم به بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق وجوه و آیات استشهادی در حروف اختصاص یافته است. برای بررسی تطبیقی موارد اشتراک و افتراق وجوه واژگان و نیز آیات استشهادی آن‌ها از جدول استفاده شده است. لازم به ذکر است از آنجا که تحلیل تمامی این واژه‌ها در محدوده‌ی این پایان‌نامه نمی‌گنجد؛ لذا جهت نمونه به تحلیل تعدادی از واژه‌ها بسنده شده است.

تلاش برای استفاده از جدیدترین کتاب‌ها با توجه به فقر کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات در زمینه‌ی کتاب-های تازه منتشر شده در زمینه‌ی معناشناسی و علوم قرآنی، بنده را بر آن داشت تا بیش از 20 درصد منابع را به سختی یافته و بیشتر خریداری کنم. امیدوارم استادان بزرگوارم اشکالات ناگزیر این پایان‌نامه را به عنوان نقطه‌ی آغاز شناخت و تحقیق در موضوعات قرآنی بر من ببخشایند و به دیده‌ی اغماض بنگرند.

# فصل اول

نگاهی به زندگی و آثار

مقاتل بن سلیمان، نیشابوری و تفلیسی

1-1- مختصری از زندگی و آثار مقاتل بن سلیمان<sup>1</sup>

ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر خراسانی ازدی که ذهبی از او با لقب «کبیرالمفسرین» یاد کرده است، در شهر بلخ از سرزمین خراسان قدیم دیده به جهان گشود. مآخذ، سال تولد او را ذکر نکرده‌اند؛ اما وفات او سال صد و پنجاه هجری در بصره بوده است. برخی نوشته‌اند که مقاتل عمری طولانی داشته است؛ بنابراین، مقاتل میان سال‌های شصت تا هفتاد زاده شده؛ و در هنگام مرگ هشتاد یا نود سال داشته و از این رو از معمران به شمار آمده است.

برخی از روایات سال ولادت مقاتل بن سلیمان را نزدیک به سال وفات «ضحاک بن مزاحم هلالی»، متوفی به سال 102 و یا 105 دانسته‌اند.

وی از بلخ به مرو رفت و در خراسان مقام و منزلتی یافت، چندان که برای بستن پیمان صلح میان امرای خراسان و شورشیان بر آنان مرتبه‌ی میانجیگری به او داده شد. بعد از مدتی به عراق رفته و در بصره اقامت گزید. بعد از آن به بغداد رفته و توانست به دستگاه عباسیان راه یابد؛ همان‌طور که پیش از این در روزگار بنی‌امیه با آنان ارتباط یافته بود. مقاتل به دستگاه «منصور» خلیفه‌ی عباسی راه داشت. آورده‌اند که روزی ابوجعفر منصور نشسته بود و مگسی پی‌درپی بر صورتش می‌نشست چندان که او را به ستوه آورد. خلیفه گفت: ببینید چه کسی بر در است. گفتند: مقاتل بن سلیمان گفت: او را نزد من آرید. چون مقاتل درآمد، خلیفه به او گفت: آیا می‌دانی که چرا خدا مگس را آفرید؟ گفت آری. خداوند مگس را آفرید تا ستمگران را خوار سازد. او در بغداد از علمای مشهوری بوده که با خلفاء و امراء مجالست‌های فراوان داشته است همان‌طور که به وسعت معارف و کثرت معلومات شهرت داشته است. خلاصه آن‌که نیمه‌ی اول زندگی وی در خراسان و نیمه‌ی دوم آن در عراق گذشته است.

درباره‌ی مذهب وی «ابن‌الندیم» در «الفهرست» آورده است: «مقاتل بن سلیمان از زیدیه و محدثان و حافظان قرآن است.» هنگام خواندن تفسیر مقاتل نیز دلائل متعددی مشاهده می‌شود مبنی بر این که وی «شیعه‌ی زیدیه» بوده است. برای مثال مقاتل برخی از آیاتی را که درباره‌ی همه‌ی مؤمنان نازل شده است، به علی بن ابی‌طالب (ع) اختصاص داده است. در کتاب «الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم» نیز پس از آوردن نام علی (ع) جمله‌ی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» را افزوده است. در بسیاری از مواضع دیگر این کتاب،

1- بلخی، 1380: ص 6-7-18-47/ ابن‌خلکان، 1417: ج 3/129-129/ سزگین، 1412: ج 1/85-85/ یافعی، 1390: ج 1/409-409/ حاجی

خلیفه، 1378: ج 2/2000-2000/ ابن‌الندیم، 1422:312/ خطیب بغدادی، بی تا: 169-160/ آل‌قیس، بی تا: ج 1/52-52/ بروکلن، 2005:

ج 1/50-50/ طوسی، 1961:138/ نوایا، 1373:83

مقاتل به سلام فرستادن بر محمد و خاندان او مقید است، که این خود دلیل بر تشیع اوست. عده‌ای اتهام «مرجئه بودن» را به وی وارد کرده‌اند. «مرجئه» فرقه‌ای است که در اختلاف روزگار صحابه، پس از قتل عثمان، موضع بی‌طرفی گرفتند؛ توضیح اینکه محققان «مرجئه» را دو دسته می‌دانند: 1- مرجئه‌ی سنت کسانی هستند که معتقدند که مرتکب گناهان کبیره به مقدار گناهش عذاب می‌بیند و در آتش جهنم به طور دائمی نمی‌ماند و رحمت خداوند شامل وی نیز می‌شود.

2- مرجئه‌ی بدعت که بر این عقیده‌اند که با وجود ایمان هیچ گناهی زیان‌آور نیست؛ همچنان که با کفر هیچ اطاعتی سود نخواهد داشت.

هنگام مطالعه‌ی تفسیر مقاتل به وضوح درک می‌شود که وی از گروه دوم یعنی «مرجئه‌ی بدعت- گذار» یعنی کسانی که می‌گفتند با ایمان، گناه زیان‌آور نیست و با کفر، طاعت سود نبخشد، نبوده است. ولی در تفسیر بعضی از آیات توسط وی، رایحه‌ی ارجاء نزد مقاتل به مشام می‌رسد ولی این ارجاء، ارجاء بدعت نیست؛ بلکه ارجاء سنت یا نزدیک‌ترین چیز به ارجاء سنت است.

شافعی مقاتل را ستوده و درباره‌ی او چنین گفته است: «الناس کلهم عیال علی ثلاثه: علی مقاتل فی التفسیر، و علی زهیر بن ابی سلمی فی الشعر، و علی ابی حنیفه فی الکلام.» : همه‌ی مردم بر سه نفر جیره خوارند: بر مقاتل بن سلیمان در تفسیر، بر زهیر بن ابی سلمی در شعر و بر ابی حنیفه در کلام. «. شیخ طوسی او را از خواص امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شمرده است.

تألیفات منسوب به مقاتل بن سلیمان عبارتند از 1- التفسیر الکبیر، که تفسیر کامل قرآن است که شش نسخه از آن حوالی قرون چهاردهم و سیزدهم هجری نوشته شده است. 2- نوادر التفسیر که به موارد خاص تفسیر مربوط است. 3- الناسخ و المنسوخ از مسئله‌ای سخن می‌گوید که، چه از جهت تعیین تاریخ نزول سور قرآنی و چه از جهت نشان دادن تحول فقه اسلامی، در نظر مسلمانان بسیار شایان اهمیت است. 4- الرد علی القدریه 5- الوجوه و النظائر فی القرآن که دکتر عبدالله شحاته از دانشمندان مصری تحقیق و تصحیح آن را به پایان رسانده است. اصل این کتاب با شماره پانصد و شانزده در کتابخانه‌ی عمومی ترکیه است و تصویر آن در بخش نسخ خطی دانشگاه عربی قاهره نگهداری می‌شود. 6- تفسیر خمسمائه آیه من القرآن الکریم که نوعاً تفسیری مطول و متضمن احکام فقهیه می‌باشد. 7- الاقسام و اللغات. 8- الآیات المتشابهات و شاید این کتاب همان «الوجوه والنظائر فی القرآن» باشد، لذا کتابی واحد با نام‌های متعدد باشد. 9- کتاب القراءات که به مسئله‌ی اختلاف قرائت‌ها پرداخته است.

## 1-2- مختصری از زندگی و آثار ابی عبدالرحمن اسماعیل بن احمد الحیری النیسابوری (361-431ه)<sup>1</sup>

اسماعیل بن احمد بن عبدالله، مکنی به ابو عبدالرحمن، مفسر و از فقهاء شافعی است. وی اهل نیشابور و منسوب به حیره می باشد. خطیب بغدادی می گوید: «از اسماعیل حیری در باره ی تولدش سوال شد پس گفت: من خودم شنیدم که الحیری می گفت: در رجب سال 361ه-972م متولد شدم» می توان بر این قول اعتماد کرد؛ زیرا که شاگرد او، ابوبکر خطیب در سال 423 در بغداد زیاد به دیدارش می رفت در محضرش از تولدش سوال شد. پس از حیری قول مذکور ذکر شده است؛ اما یاقوت حموی در معجم الادباء سال تولد او را 311 ق دانسته است.

### استادان نیشابوری

نیشابور شهر علماء، فقهاء و محدثین و از مهم ترین مراکز علوم دینی در عصر حیری نیشابوری بود که یاقوت حموی آن را معدن فاضلان و منبع علماء می نامد. اسماعیل حیری علم حدیث، فقه، تفسیر، قراءات و... را از علمای بزرگ نیشابور فرا گرفت و در طلب حدیث بسیار مسافرت کرد؛ از جمله اساتید او ابی - طاهر محمد بن فاضل بن عمر بن اسحاق الخزیمه (متوفی 387ه. ق)، ابی الحسن الماسرجسی (متوفی 384ه. ق)، ابی الهیثم محمد بن المکی الکشمیهنی (متوفی 389ه) ابی عبدالرحمن السلمی (المتوفی 412 ه ق)، ابی نعیم عبدالملک بن الحسن الاسفرائینی (متوفی 400ه).

حیری از عالمان برجسته ی نیشابور در حدیث، تفسیر، وعظ و قرائت می باشد. عبدالغافر بن اسماعیل فارسی درباره ی او چنین گفته است: «اسماعیل بن أحمد بن عبدالله الأستاذ أبو عبدالرحمان الضریر الحیری، مفسر، قاری، واعظ، فقیه، محدث، زاهد، پیشوای مسلمین و از خدمتگزاران به علم و سودمند برای خلق و مفید در علمش بود.»

1- زرکلی، 1969: ج 1/ 303 / خطیب بغدادی، بی تا: ج 6/ 303/ حموی، 1993: ج 2/ 464/ حیری نیشابوری، 1380: ج 17/ حاجی خلیفه، 1967: ج 2/ 1498/

ابن العماد، 1994: ج 3/ 245 / آل قیس، بی تا، ج 1/ 219/ الیافعی، 1390: ج 42- 452

### ورود نیشابوری به بغداد

نیشابوری در سال 423 ه.ق، همراه با قافله‌ی حاجیان در راهش به حجاز وارد بغداد شد. به نوشته‌ی خطیب بغدادی، نیشابوری که بخش اعظمی از کتاب‌های خود را همراه داشت، قصد مجاورت در مکه را داشت، اما بعد از آنکه از ناامن بودن راه‌ها خبردار شد، همچون بسیاری از دیگر افراد از گذاردن حج صرف نظر کرد و به نیشابور بازگشت. از جمله کتاب‌های همراه او کتاب «صحیح بخاری» بوده که نیشابوری آن را از «ابوالهثیم محمد بن مکی کشمیه‌نی» از مهم‌ترین راویان صحیح بخاری سماع کرده بود و خطیب بغدادی در سه مجلس نزد نیشابوری «صحیح» را به طریق نیشابوری به بخاری از او سماع کرده است.

در سال وفات او اختلاف وجود دارد؛ ابن الجوزی و ابوالفداء الحافظ ابن کثیر سال وفات او را در سال 431 ه.ق ذکر کرده‌اند که گفته‌ی ابی بکر الخطیب و عبدالغافر بن اسماعیل الفارسی که گفته‌اند: «او اندکی بعد از چهارصد و سی وفات یافته است» را تایید می‌کند.

### تالیفات نیشابوری

حیری نیشابوری کتاب‌های متعددی در زمینه‌ی علوم قرآنی، قرائت‌ها، حدیث، وعظ و تذکیر تالیف کرده است؛ از جمله کتاب الوقوف، عنوان التفسیر که بیهقی از آن تحت عنوان "عیون التفسیر" یاد می‌کند، مثلث الواعظین، کتاب التنزیل، معانی اسماء الرب، کتاب وجوه القرآن، اسماء من نزل فیهم القرآن، الکفایه فی التفسیر.

1-3- مختصری از زندگی و آثار تفلیسی حبیشی<sup>1</sup>

ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی از علمای قرن ششم هجری است که در علم صرف، نحو، لغت، نجوم و طب تبحر داشته و آثار گرانمایی در این علوم از او بجای مانده است. شرح احوال و زندگی او کاملاً مضبوط و مشخص نیست و جسته گریخته از مقدمه‌ی کتاب‌هایش برخی از نکات که مربوط به زندگی و آثار اوست استفاده می‌شود. آنچه مسلم است اینکه او با فلج‌ارسلان بن مسعود از سلاجقه‌ی روم که در سال 551 ه.ق به سلطنت رسیده و در 588 ه.ق وفات یافته هم‌زمان بوده و بعضی از تالیفات خود از جمله "کامل‌التعبیر" و "قانون‌الادب" را برای او تالیف کرده است.

نام او در آثارش در معرض تحریف قرار گرفته و «حبیش» به صورت‌های «حبش» و «حسن» و «حسین» درآمده و لقب او را «شرف‌الدین» و «جمال‌الدین» و «کمال‌الدین» ذکر کرده‌اند. درباره‌ی کنیه و نسبت او اختلافی وجود ندارد. در همه‌جا کنیه‌اش «ابوالفضل» و نسبتش «تفلیسی» ذکر شده است. در کتاب «وجوه قرآن» از او به عنوان «شیخ ادیب» یاد شده، زیرا کتاب جنبه‌ی ادبی دارد و در کتب طبّی او از او به عنوان «حکیم» و «متطبّب» یاد شده است.

از حبیش آثار متعددی به فارسی و عربی باقی مانده است؛ آثار فارسی او از جهت خصایص لغوی، صرفی و نحوی دارای اهمیت است. از جمله آثار او که نام آنها در فهرست‌ها و کتاب‌ها و در نسخه‌های آثار وی دیده شده عبارت‌اند از: 1- اختصار فصول بقراط 2- اصول الملاحم 3- بیان التصریف 5- بیان الصناعات 6- بیان الطب 7- بیان النجوم 8- التلخیص فی علل القرآن 9- جوامع البیان در ترجمان قرآن 10- رموز المنهاج و کنوز العلاج 11- قانون‌الادب 12- ترجمان قوافی 13- کامل‌التدبیر 14- لباب- الاسباب 15- المدخل الی علم النجوم 16- نظم السلوک 17- وجوه قرآن

1- تفلیسی، 9:1371/ دهخدا، 1337:3/ معین، 1370:5:454

## 1-4- گریزی بر الاشباه و النظائر - وجوه القرآن - وجوه قرآن

## 1- الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم - پس از «تفسیر کبیر» کتاب «الاشباه و النظائر» از مهم-

ترین کتاب‌های مقاتل بن سلیمان است، این کتاب نقطه‌ی عطفی در تاریخ تفسیر قرآنی است؛ زیرا به تصدیق سیوطی روش وجوه و نظائر را مقاتل وارد تفسیر کرده است. (نویا، 1373ش: 83) در این کتاب کلماتی از قرآن آورده شده و صورت‌های گوناگون آن کلمه که معانی متفاوت یافته بیان شده است؛ مانند کلمه‌ی «سلطان» که دو وجه برای آن آورده شده است: وجه اول آن «دلیل» است در آیه‌ی «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (هود/96) و وجه دوم آن «پادشاه چیره» در آیه‌ی «وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ» (ابراهیم/32) (نک: بلخی، 1380ش: 288)

در این کتاب وجوه صد و هشتاد و پنج واژه ذکر شده است و این واژه‌ها براساس قاعده و ترتیب خاصی نیامده است؛ بلکه بصورت پراکنده و غیر منظم بکار رفته است. مثلاً بعد از کلمه‌ی «هدی»، کلمات کفر و شرک آمده است.

## 2- وجوه القرآن - این کتاب که به عربی نوشته شده است دارای ششصد و سیزده واژه است.

نیشابوری الفاظ قرآنی را نه براساس ریشه‌ی اصلی و لغویشان بلکه بر اساس حروف الفبا تنظیم نموده است. همان‌طور که خود در مقدمه‌ی کتاب گفته است: «آن را بر اساس حروف الفبا مرتب ساختم تا جستجوی آن برای محقق و حفظش برای متحفظ آسان باشد.» (نیشابوری: 1380ش: 39) او تصنیف خود را بر اساس ترتیب حروف معجم به بیست و هشت کتاب تقسیم نموده، و کارش را با کتاب «الف» آغاز کرده، و با کتاب «باء» به پایان رسانده است، سپس هر کتاب را به باب‌هایی تقسیم نموده و هر کلمه را در یک باب آورده است. شایان ذکر است که او حرف اول کلمه را در هر کتاب مدنظر قرار داده است؛ به عنوان مثال باب الاتقاء (و اصلها وق ی)، و الاقامه (و اصلها ق و م)، و الانفاق (و اصلها ن ف ق) در کتاب «الف» آمده است. هم‌چنین وی باب‌های هر کتاب را بر اساس حروف معجم مرتب ساخته مثلاً در کتاب ثاء، باب ثمن و بعد از آن ثمار و ثلاثه ایام و ثواب و... آمده است. (نک: نیشابوری، همان)

نیشابوری در مقدمه‌ی کتابش خاطر نشان ساخته است که پیش از او عبدالله بن عباس، مقاتل و کلبی کتاب‌هایی در این زمینه (وجوه قرآن) تصنیف کرده‌اند. (خرمشاهی، 1377، 2298: 7) او در این فن یا عموماً در تفسیر از کتب ابن عباس، کلبی و مقاتل استفاده کرده است. رجوع به تفسیر ابن عباس و کتاب الاشباه و النظائر مقاتل این امر را به خوبی روشن می‌کند. در جایی دیگر از کتاب «مشکل القرآن» ابن قتیبه نام می‌برد. علاوه بر آن گاهی اقوالی را از برخی مفسران مانند مجاهد، قتاده و سدی و... اقوالی از



محدثین مانند سفیان ثوری و فقهاء مانند امام شافعی و زبان‌شناسان مانند زجاج روایت می‌کند و هم‌چنین نام‌های برخی از دانشمندان قرائت مانند حمزه و کسایی را می‌بینیم. (نیشابوری، همان، 40)

**3- وجوه قرآن** - از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در زمینه‌ی علم «وجوه و نظایر» توسط ابوالفضل حیث‌بن‌ابراهیم تفسیری به سال 558ق نوشته شده است. این کتاب به فارسی نگاشته شده و می‌توان گفت تکمیل شده‌ی کتاب «الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم» مقاتل‌بن‌سلیمان است. مؤلف ابتدا به عربی بر آن افزوده سپس با اضافاتی آن را به فارسی درآورده است. تفسیری این کتاب را به ترتیب حروف الفبا نگاشته و وجوه فراوانی را برای واژه‌ها ذکر کرده مثلاً برای واژه‌ی "دعاء" شش وجه را همراه با ذکر آیات آورده که ما سه وجه آن را در اینجا به همان صورتی که در کتاب «وجوه قرآن» آمده، آورده‌ایم: «وجه نخستین دعاء به معنی گفتن بود چنان که خدای در سوره الاعراف (5) گفت: "فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأُسْنًا" یعنی ما کان قولهم اذ جائهم عذابنا. و در سوره یونس (10) گفت: "دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ" یعنی قولهم فی الجنة اذا اشتهوا الطعام سبحانك اللهم. و در سوره الانبياء (15) گفت: "فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ" یعنی فمزالت تلك الويل قولهم حين قالوا يا ويلنا حتى جعلناهم حصيدا خامدين. و وجه دوم دعا به معنی پرستیدن بود چنان که در سوره یونس (106) "وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ" یعنی لا تعبد من دون الله. و در سوره القصص (88) گفت: "وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ" یعنی لا تعبد مع الله الها غيره. و وجه سیم به معنی کسی را آواز دادن بود چنان که در سوره الانبياء (45) گفت: "قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ" یعنی النداء. و در سوره الملائكة (14) گفت: "ان تدعوهم لا يسمعو دعاءكم" یعنی لا يسمعو نداءكم. و در سوره القمر (10) گفت: "فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ" یعنی فنادی ربه. و هم درین سوره (6) گفت: "فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكْرٍ" یعنی یناد المناد. و از این معنی در قرآن بسیارست. (تفسیری، 1371ش: 98)

تفسیری درباره‌ی تالیف این کتاب چنین می‌گوید «که چون از تصنیف کتاب بیان‌التصریف برداختم نگاه کردم به کتاب وجوه‌القرآن که مقاتل‌بن‌سلیمان رحمه الله به تازی ساخته بود بسیار کلمت را از اسماء و افعال و حروف که او در شرح آن، دو وجه یا سه وجه بیان کرده بود در کتاب ابوالحسن الثعلبی رحمه الله هر کلمتی را چهار و پنج وجه یافتم و بسیار کلمت را که او سه و چهار وجه گفته بود در تفسیر ثعلبی هر یک را شش و هفت وجه معنی یافتم و بسیار کلمت را وجوه فرو گذاشته بود یعنی بیان وجوه آن نکرده بود از آن سبب که طریق اختصار نگاه داشته بود و نیز ترتیب کتاب نه بر طریقی نهاده بود که استخراج آنچه طلب کنند بوقت حاجت شرح وجوه آن کلمات را بزودی بیابند پس چون احوال کتاب وی، بدین صفت دیدم خواستم که در وجوه قرآن کتابی سازم کامل و مفید که آنچه در کتاب تفسیر

ثعلبی و تفسیر سوراآبادی و تفسیر نقاش و تفسیر شاپور و تفسیر واضح و در کتاب مشکل قتیبه و کتاب غریب القرآن عزیری در وجوه قرآن بیان کرده است بر طریق اختصار آن جمله در کتابم موجود باشد تا از من یادگاری بود پس جهد کردم و رنج بر خویشتم نهادم تا از کتب مذکور بدین سان که یاد کرده شد بر ترتیب حروف معجم، وجوه اسماء و افعال و حروف آنچه در قرآن موجود بود بر وسع طاقت شرح وجوه هر کلمتی را پیارسی واضح بیان کردم و بر هر وجهی چند آیت از قرآن بدلیل آوردم و شرح هر وجهی را به آخر هر آیتی بتازی چنان که در کتب مذکور یافته بودم بحجت نبشتم تا کسی را در صحت آن گمانی نباشد؛ و چنان دان که هر مشکلی که از غوامض قرآن بر کسی پوشیده بود معانی آن مشکل خواننده و آموزنده این کتاب را روشن و پیدا به حجت و برهان از اینجا معلوم گردد چون به تامل در وی نگاه کند، و از بسیار کتب دیگر که در علم قرآن ساخته اند مستغنی شود آن کس که این کتاب را بخواند و بیاد گیرد. و اگر در کلمتی از وجوه قرآن میان مفسران خلاف بود آن قول را که ضعیف بود فرو گذاشتم.» (تفلیسی، 1371 ش: 1)

بنابراین کتاب‌های مذکور در علم «وجوه و نظایر» از کتاب‌های عمده و حائز اهمیت می‌باشد و دارای پایگاه علمی در قرآن‌پژوهی می‌باشند و علماء و پژوهشگران علوم قرآنی از این کتاب‌ها استفاده‌های شایانی می‌کنند تا بتوانند بحث‌ها و تحقیقات خود را در این زمینه کامل کنند.

## فصل دوم

تحلیل معناشناختی «وجوه» و

«بافت» در واژگان قرآنی

## 2-1- مفهوم شناسی «وجوه»

در هر زبانی قاعده‌ی کلی بر این اساس استوار است که هر لفظ فقط برای یک معنا وضع شود؛ به عبارت دیگر در ازای یک معنا، می‌باید فقط یک لفظ وجود داشته باشد، اما گاه شرایط و موقعیت‌هایی در زبان به وجود می‌آید که منجر به دلالت الفاظ متعدد بر یک معنا و یا دلالت یک لفظ بر معانی متعدد می‌گردد. (عبدالتواب، (م:شیخی)، 349:1367) ثعالبی در این زمینه می‌گوید: «هنگامی که کتاب‌هایی را که در زمینه‌ی مشترک لفظی در قرآن کریم تدوین گردیده، ورق می‌زنیم به این نکته پی می‌بریم که یک لفظ معانی‌اش متعدد می‌گردد و از ترکیبی به ترکیبی و سیاقی به سیاقی متفاوت می‌شود؛ این پدیده‌ی آشکار در بررسی لغوی باقی ماند تا اینکه به عنوان یک موضوع مستقل علمی به نام «علم وجوه و نظایر» درآمد و شاخه‌ای از شاخه‌های مطالعات قرآنی شد که ارتباط تنگاتنگی با بررسی‌های زبانی و معنایی دارد و صاحبان این علم «وجوه» را اسم معانی و «نظائر» را اسم الفاظ می‌دانند. (ثعالبی، 1404ه، ص 11)

«وجوه و نظایر» از جمله علوم قرآنی است که از شاخه‌های تفسیر محسوب می‌شود. تفسیر دارای گرایش‌های متعددی از جمله روایی، ادبی، لغوی، فقهی، کلامی، فلسفی و... می‌باشد. وجوه و نظایر در حوزه‌ی تفسیر لغوی قرار می‌گیرد. «اهتمام غالب مفسران در تفسیرهای لغوی، بر شناخت و اجتهاد در لغات، ریشه، اشتقاق و شکل تغییرات آن‌ها است. در مباحث لغوی، یافتن معنای اصلی لغت و تطورات آن، مورد نظر است؛ چنان‌که یافتن معنای لغت از سیاق کلام، از مهمترین دریافتهای مفسران لغوی است، توجه به کاربردهای متفاوت یک لغت در قرآن، توجه به مترادف، متضادها، غرایب، مجاز و حقیقت از جمله مباحث اجتهادی تفسیرهای لغوی است. در تفسیرهای لغوی، هم به معنای موضوع‌له و هم مستعمل‌فیه، پرداخته شده است.» (مودب، 1380ش: 225)

«وجوه» جمع وجه است و وجه در لغت به معنای صورت، جهت، بزرگ قوم، اول و ابتدای هر چیز، نفس یا عین هر چیز می‌باشد و النظایر جمع نظیر و به معنای مثل و شبیه است (ابن منظور، 1968م ذیل وجه و نظر).

حاجی خلیفه در تعریف وجوه و نظایر، بیانی دارد که در آن تصریح می‌کند وجوه، همان معانی و نظایر، همان الفاظ است. وی می‌گوید: «علم وجوه و نظایر از فروع تفسیر است و معنای آن این است که یک کلمه در چند موضع از قرآن با یک صورت و یک حرکت ذکر شود و در هر موردی معنایی دیگر اراده شود. پس لفظ هر کلمه در یک موضع نظیر همان لفظ در موضع دیگر است و این همان نظایر است، ولی تفسیر هر کلمه به معنایی، غیر از معنای دیگر است و این همان وجوه است. بنابراین، نظایر نام الفاظ و وجوه نام معانی است» (حاجی خلیفه، 1967م: 2/2001) اما سیوطی به پیروی از زرکشی وجوه و نظایر را